



چالش های حق بر سلامت پناهجویان

زهرامتور

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول)

z.mator@gmail.com

علیرضا انصاری مهبیاری

استادیار و مدیر مقاطع تحصیلات تکمیلی گروه حقوق دانشکده حقوق الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد

اسلامی، نجف آباد، ایران

alimahyari63@gmail.com

چکیده

یکی از اساسی ترین حقوقی که پناه جویان از آن برخوردار هستند، حق بر سلامت است که به معنای بالاترین استاندارد فیزیکی و روانی تعبیر شده است. امنیت سلامت و بهداشت پناهجویان از موضوعات مهمی است که نهادهای بین المللی بر مبنای پژوهش های علمی مورد توجه قرار داده اند. اگرچه این حق از نظر محتوایی به نسل دوم حقوق بشر تعلق دارد، اما ارتباط تنگاتنگی با نسل های دیگر حقوق بشر دارد. حق بر سلامتی پناهجویان شامل طیف وسیعی از حقوق است که هر یک در تحقق آن نقش انکارناپذیری دارند. بنابراین وجود آب آشامیدنی سالم، غذای کافی و مغذی، محیط زیست پاک و... از جوهره سلامت انسان محسوب می شود. لذا اهتمام پژوهش حاضر تبیین چالش های حق بر سلامت پناهجویان می باشد که به روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای است. پس از بررسی منابع مختلف به این نتیجه رسیدیم که کلیه ی مصادیق حقوق بشر، متقابلاً به هم وابسته، غیرقابل تفکیک از هم و مرتبط به هم می باشند. تحقق عالی ترین استاندارد مورد نظر ماده ی 12 میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در پرتو به کارگیری حداکثر امکانات اقتصادی و فنی و طی روندی ضرورتاً تدریجی الحصول، رنگ واقعبیت به خود خواهد گرفت. از این رو میزان تحقق و بهره مندی از حق سلامت پناهجویان، رابطه ای مستقیم با سطح رشد و توسعه یافتگی اقتصادی و اجتماعی یک کشور دارد. میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی با علم به این واقعیت، از دولت های عضو می خواهد تا با بهره گیری از همکاری های بین المللی اقتصادی و فنی با یکدیگر، ظرفیت ها و قابلیت های خود را جهت ارتقا میزان بهره مندی از حق سلامت پناهجویان افزایش دهند.

کلید واژه ها: پناهجو، سلامت، تعهد بین المللی دولت، اسناد بین المللی، حقوق بین الملل.

مقدمه

بحران های جهانی، مشکلات اقتصادی، جنگ و ناامنی باعث افزایش شمار پناهندگان در سراسر جهان شده است. در حالی که مهاجران ترک کردن کشور خود را انتخاب می کنند، پناهندگان مجبور به ترک وطن خود می شوند. در طول تاریخ همواره در اثر وجود جنگها، اشغال، خشونت و دیگر اقسام آزار و اذیت، انسان ها متاثر و متضرر از این چالش ها و مشکلات اقدام به ترک خانه و کاشانه خود نموده اند و سعی در رساندن خود به مناطق امن داشته اند. این افراد از ترس آنکه مورد خشونت، تجاوز، قتل و غارت قرار نگیرند، ناخواسته ترک وطن نموده و راهی کشورهای دیگر می شوند تا از این مصیبت ها در امان باشند (اردلان، 1390: 55).

افراد پناهجو با توجه به اینکه در وضعیت اولیه، موقتی و اضطراری پس از ترک وطن قرار دارند و این وضعیت ناظر به مدتی است که هنوز، شخصی در برزخ ترک وطن و پذیرش کشور دیگر است، در شرایط بحرانی تری قرار دارد. این افراد از حقوق شهروندی برابر سایر افراد جامعه کشور پذیرنده برخوردار نبوده و تا مشخص نشدن وضعیت پناهجو و تبدیل آن به وضعیت پناهندگی، حقوق وی اعمال نخواهد شد. حقوق بشر که یکی از مهم ترین و ابتدایی ترین حقوق افراد محسوب می شود و صرف نظر از نژاد، رنگ و ... به نوع بشر تعلق می گیرد نیز در این وضعیت با



بحران‌ها و چالش‌هایی مواجه می‌گردد. یکی از این موضوعات که با حیات انسان، انس و الفتی دیرین گزیده است، مسئله سلامت اوست. سلامتی انسان یکی از لوازم اولیه‌ی برخورداري از حیاتی شرافتمندانه محسوب میشود و در عین اینکه برای بهره‌مندی از دی‌گر حقها و آزادیها ضرورت دارد، تحقق و بهره‌مندی از خود این حق نیز در گرو وجود عناصر دیگری است؛ برخورداري از یک استاندارد مناسب زندگی؛ متضمن دسترسی به غذای کافی، آب آشامیدنی سالم، محیط زیست پاک و... در کنار بهره‌مندی از سیستم بهداشت عمومی و مراقبت‌ها و خدمات بهداشتی و درمانی اولیه، ارائه‌ی پوشش‌های بیمه‌ای دولتی، خصوصی یا مختلط و دسترسی به داروهای اساسی، به اتفاق، مقید به سلامتی انسان هستند و هر یک به نوبه‌ی خود سهمی در رشد و اعتلای این حق دارند. به این ترتیب، حق بر سلامتی در رابط‌های دو سویه و متقابل با دیگر حقها قرار دارد و میتوان آن را حلقه‌ی ارتباطی میان نسل‌های مختلف حقوق بشر قلمداد کرد (انصاری، 1396: 23).

دولت‌های پناهی‌پذیر تعهداتی در زمینه‌های مختلف نسبت به پناهی‌جویان داشته‌اند که با توجه به ملاحظات سیاسی و دیگر جنبه‌های مرتبط با منافع کشور خود امکان دارد مورد توجه قرار نگرفته و نقض گردند. این دولت‌ها نسبت به پناهی‌جویان به عنوان شهروند رفتار نکرده و تا زمانی که از پناهی‌جویی به پناهندگی کامل نرسیده باشند حقوق آنها را نادیده گرفته و در صورت تعرض به این افراد نیز حمایت‌های کافی از آن‌ها اعمال نمی‌شوند. حق بر سلامتی از حقوق بنیادین بشری برای همه، از جمله برای پناهندگان است. سلامت پناهندگان حاصل ترکیبی از عوامل مختلف در نظر گرفته می‌شود: ویژگی‌های شخصی، محیط فیزیکی، شرایط اجتماعی-اقتصادی، جدایی از خانواده، وضعیت حقوقی، موانع زبان، بیکاری، وضعیت مسکن، و مراقبت‌های بهداشتی. تجربه‌های سختی که برای رسیدن به کشور مقصد داشته‌اند، فقر شدید، خشونت، شکنجه، تجاوز، از دست رفتن اعضای خانواده و مرگ از علل ابتلا به بیماری‌های شدید روانی و جسمی است. هرچند داستان‌هایی که از زبان پناهندگان شنیده می‌شود تقریباً مشترک است، اما شرایط و سفر هر یک متفاوت است (بابایی راغب و سلیمی ترکمانی، 1401: 220).

آنها وطن، خانواده و دوستان خود را ترک کرده‌اند. برخی از آنها از همسر فرزند خود جدا شده‌اند و نقش تک‌والدی پیدا کرده‌اند. هر چند در بسیاری از مجامع از حقوق پناهندگان دفاع می‌شود، اما استرس حاصل از جدایی و عدم اطمینان از کسب اجازه اقامت و بودن در کنار خانواده به شدت سلامت روان پناهندگان تحت تاثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر میزان بهره‌مندی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به ویژه حداقل‌ها سلامت رابطه مستقیمی با سطح توسعه یافتگی هر ایالت دارد. از زمان تحقق این گروه از حقوق مستلزم استفاده از منابع و برنامه‌ریزی استراتژیک و کلان در سطح ملی است، لذا امکان پذیر است تحقق آنها به صورت آبی وجود ندارد، بلکه لزوماً از طریق یک فرآیند تدریجی در طول زمان وجود دارد. محقق خواهد شد واقعیتی که بسیار واضح است این است که همه دولت‌ها از نظر سطح تحولات در شرایط مساوی با یکدیگر نیستند و همین موضوع باعث آن توانایی می‌شود و ظرفیت دولت‌ها برای ایفای تعهدات ناشی از عهد نیز متفاوت است (استفن، 1397: 33).

با این عبارت می‌خواهیم ببینیم به این سوال پاسخ دهیم که آیا ناتوانی و ضعف اقتصادی و اجتماعی یک دولت نتیجه است؟ آیا تدوین استانداردهای مطلوب میثاق می‌تواند بی‌توجهی دولت مربوطه را توجیه کند؟ و چه راهکارهای موثری در حقوق بین‌الملل برای توانمندسازی دولت‌هایی که قادر به اجرا نیستند و آیا رعایت این استانداردها وجود دارد؟

1. پناهی

در لغت، پناهنده به کسی اطلاق می‌گردد که به شخصی و یا به چیزی پناه ببرد، و یا از اجتماعی و فردی به علت رواج تعصب دینی - اجتماعی - نامنی - جنگ در سرزمین خود به یک کشور دیگر پناه ببرد. از طرفی، تعاریف متعددی از پناهنده ارائه گردیده که برای اعمال نظر خاصی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بند دوم ماده‌ی یک پروتکل الحاقی سال ۱۹۶۷ میلادی، پناهنده را این چنین بیان نمود:

"فردی که خارج از وطن خود بوده و به عللی مانند وابستگی به یک نژاد - ملیت - عقیده و غیره در کشورش مورد تعقیب قرار گرفته و قادر نبوده به دلیل ترس از تعقیب به کشور خود برگردد و به طور ناخواسته از حفاظت در آن کشور برخوردار نبوده است. یا به فردی اطلاق می‌گردد که هیچ نوع ملیتی نداشته و به علتی خارج از کشوری که از قبل در آن اسکان داشته قرار گرفته و از بازگشت به کشور مذکور ترس داشته است."

پناهنده شدن همواره در ذات بشر می‌باشد به دلیل آنکه زمانی که فردی به این نتیجه دست یابد که جان‌ش در خطر است یا زندگی در مکانی که در حال حاضر در آنجا بوده، برای ایشان غیرقابل تحمل است، در پی مکان و یا پناهی‌گاهی بوده تا قادر باشد که به راحتی در آنجا به زندگی خود پردازد. از این رو، تمامی انسانها تلاش دارند تا زندگی امنی برای خود دست و پا کنند (پرویزی، 1394: 45).



2. جایگاه پناهجویان در حقوق بین الملل

2.1. اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر یک پیمان بین المللی است که در انجمن عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در پاریس به تصویب رسیده است. این اعلامیه دستاورد مستقیم جنگ جهانی دوم بوده و برای نخستین بار حقوقی را که تمام انسان ها سزاوار آن هستند را به صورت جهانی بیان می دارد، در نتیجه حقوق بشر به حقوقی گفته می شود که همگان در همه زمان ها و مکان ها از آن برخوردارند اعلامیه فوق حاوی ۳۰ ماده است که دیدگاه سازمان ملل متحد را در مورد حقوق همه انسانها توضیح می دهد. مفاد این اعلامیه حقوق اساسی مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را مشخص کرده است که همه مردم در هر کشور باید از آن برخوردار باشند. منشور بین المللی حقوق بشر شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و دو پروتکل منتخب آن است. در سال ۱۹۶۶ مجمع عمومی دو میثاق مذکور را تصویب کرد. در سال ۱۹۷۶ زمانی که منشور بین المللی حقوق بشر توسط تعداد کافی از کشورها تصویب شد، به قانون بین المللی تبدیل شد (پرویزی، ۱۳۹۴: ۴۶).

2.2. کنوانسیون های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو

دومین مورد از معاهدات و اسناد مرتبط با پناهندگی، کنوانسیون های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو می باشد. چهارمین کنوانسیون ژنو در رابطه با، حمایت و پشتیبانی از اشخاص غیر نظامی در دوران جنگ است. کنوانسیون مذکور، مشتمل بر مادهای بوده که در شرایط و وضعیتی که مخاصمات مسلحانه داخلی و یا بین المللی اتفاق افتاده می تواند از تمامی پناهندگان حمایت نماید و یا به بیانی، کلیه پناهندگان را تحت حمایت خود قرار بدهد. از این رو، مادهی ۴۴ مقرر داشته است که:

دولت بازداشت کننده در زمان اخذ تصمیمات نظارتی، پناهندگان را که به طور عملی از حمایت هیچ نوع دولتی برخوردار نبوده به اعتبار آن که از نگاه حقوقی به دشمن تعلق داشتند، مشمول معامله با خارجیان دشمن قرار نمی دهند (جمالیور، ۱۳۹۶: ۳۲).

2.3. کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان ۱۹۵۱

کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین المللی است که تعریف می کند پناهنده چه کسی است و حقوق افراد پناهنده و مسئولیت کشورهای عضو را نسبت به پناهجویان مشخص می کند. طبق این کنوانسیون تمامی افراد از حق پناهندگی برخوردار نیستند، مثل جنایتکاران جنگی یا افراد نقض کننده حقوق بشر که از این حق محروم هستند. این کنوانسیون در جلسه ویژه سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ به تصویب رسید و در تاریخ ۲۲ آوریل ۱۹۵۴ به اجرا درآمد. این کنوانسیون در ابتدا به پناهندگان اروپایی پس از جنگ جهانی دوم محدود می شد که با به تصویب رسیدن معاهده ۱۹۶۷ محدودیت های جغرافیایی و زمانی آن برداشته شد و محدوده فعالیت های کنوانسیون توسعه یافت. دانمارک اولین کشوری بود که این معاهده را در تاریخ ۴ دسامبر ۱۹۵۲ به تصویب رساند (التینداگ، ۲۰۱۷: ۲۷).

2.4. اعلامیه پناهندگی سرزمینی ۱۹۶۷

چهارمین مورد از معاهدات و اسناد مرتبط با پناهندگی، اعلامیه پناهندگی سرزمینی ۱۹۶۷ می باشد. اعلامیه جهانی حقوق بشر که مورخ ۱۹۴۸ میلادی، تصویب شده بود قطعنامهی غیر الزام آوری محسوب می گردید که در آن از حقوق پناهنده گردیدن در سایر جوامع و استفاده نمودن از آن در صورت تعقیب، سخن گفته شده بود.

کمیسرین حقوق بشر، که پیش نویس اعلامیه جهانی حقوق بشر را آماده و تهیه نموده، در آن دوران پیشنهاد و توصیه کرده بود که موضوع جای دادن حق پناهندگی در برابر تعقیب در اعلامیه جهانی حقوق بشر در کنوانسیون خاص و ویژه ای در این رابطه و در نخستین فرصت ممکن عملی گردد (گلدنزیل، ۲۰۱۶: ۵۹۲).

با این وجود، عدم وجود توافق در باب مسائل محوری، سبب عدم توفیق در جایی دادن بندی در رابطه با پناهندگی در میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی گردید. مسائلی که سبب یکسری اختلاف دیدگاهها در بین جوامع گردیده است، همان مسائلی بود که در زمان مذاکره در رابطه با پیش نویس کنوانسیون هم موجود بود: حوزه ای افراد در بند مذکور، تعریف شروط شخصی که صلاحیت پناهندگی داشته و آن که آیا حق پناهندگی را می بایست به وجود آورد. تقریباً بعد از وقفه ای طولانی در مباحث فوق، پیش نویس یک اعلامیه در رابطه با حق پناهندگی مورخ ۱۹۵۷ میلادی به واسطه نماینده کشور فرانسه به کمیسیون حقوق بشر تسلیم گردید و در سال ۱۹۶۷ میلادی یعنی بعد از ۱۰ سال بحث، در کمیته های مجمع عمومی، در نهایت قطعنامهی شماره ۲۳۱۲ به عنوان اعلامیه پناهندگی سرزمینی به اتفاق آرا از سوی مجمع عمومی تصویب شد (پرویزی، ۱۳۹۴: ۴۷).



3. حقوق پناهجویان در کشورهای پناهجوپذیر

حقوق پناهندگان در کنوانسیون و اعلامیه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای فراوانی تحت شناسایی واقع شده، که در اینجا به بعضی از اساسی‌ترین حقوق مذکور خواهیم پرداخت. سپس به آن بخش از حقوقی که قابل سلب شدن و یا محدود گردیدن از جانب کشور میزبان می‌باشد پرداخته می‌شود. در آخر دو نمونه از کشورهای پناهجوپذیر شرح داده می‌شوند.

- حقوق پناهجویان: بی‌شک پناهجویان هم مانند دیگر اشخاص انسانی از کلیه حقوق و آزادی‌های مهم و اساسی که در نظام حقوق بشر مورد شناسایی قرار گرفته برخوردار هستند. لیکن، با در نظر گرفتن شرایط خاصی که تمامی پناهندگان در آن قرار داشته و برخوردار شدن فقط از بعضی حقوق، دارای اهمیت خاصی است و متناسب با شرایط و وضعیت مذکور هم شامل تکالیف ویژه‌ای هستند (اولورونتوبا، 2018).

با در نظر گرفتن کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان اصلی‌ترین حقوق مورد پیش‌بینی قرار گرفته به اختصار به قرار ذیل می‌باشد:

نخستین و اصلی‌ترین حق پناهنده آن بوده که دول متعاهد قوانین کنوانسیون را بدون تبعیض و از دیدگاه نژاد، مذهب، و یا سرزمین در خصوص ایشان به اجرا در بیاورند. آزادی پناهنده در مسائل دینی می‌بایست کاملاً مشابه اتباع آن کشور محترم شمرده شود. احوال شخصیه او پیرو قانون و ضوابط محل اقامت او بوده است و اگر فاقد محل اقامت باشد، پیرو محل سکونتش می‌باشد لذا، بایستی حقوقی که از قبل تحصیل کرده است و به احوال شخصیه ایشان مرتبط می‌باشد به خصوص در رابطه با ازدواج محترم شمرده شود.

چندین مورد از اساسی‌ترین حقوق پناهندگان و تعهدات دول، ضرورت رفتار مساعد در رابطه با تحصیل اموال منقول و غیرمنقول به واسطه پناهنده، شناسایی حق مراجعه پناهندگان به دادگاه و برخوردار شدن این افراد از کمک و معاضدت قضائی و غیره است. در رابطه با رفاه و آسایش کلیه پناهندگان هم تمامی آن‌ها می‌بایست از سیستم جیره‌بندی، مسکن، آموزش‌های عمومی، امور خیریه و غیره متناسب با شرایط و وضعیت اتباع دول برخوردار گردند. در برابر امکانات فوق، کلیه پناهندگان دارای یکسری وظایف در مقابل دولتی که به عنوان پناهنده شده، هستند. وظیفه مهم هر پناهنده این بوده که خود را با قوانین سرزمینی که به آن پناه برده است، تطبیق بدهد (جعفریاد، 1400: 41).

لیکن، نکته قابل ملاحظه آن بوده که در رابطه با پناهجویان آواره و یا افرادی که در نتیجه‌ی نزاع و درگیری‌های مسلحانه داخلی و بین‌المللی به ناچار کشور خود را ترک می‌نمایند نمی‌توان بر اساس کنوانسیون ۱۹۵۱ و حتی پروتکل الحاقی به آن، آنان را پناهنده بر شمرده بلکه می‌بایست بر مبنای اسناد دیگری نظیر کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو، به جهت حمایت و پشتیبانی از قربانیان جنگ و نیز پروتکل الحاقی به آن مورخ ۱۹۷۷ مرتبط با حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی از این افراد حمایت کامل نمود.

در هر صورت در حال حاضر، جمعیت فراوانی از پناهجویان را می‌توان ملاحظه نمود که به علت جنگ در کشورشان و ترس به علت هجوم نیروهای نظامی به غیرنظامیان کشور خود را ترک کرده و به واسطه‌ی جوامع ترانزیت خود را به جوامع امن، به جهت حمایت بیشتر از آن رسانده‌اند که در این خصوص می‌توان به پناهجویان سوری اشاره نمود (رادواسلاو، 2022: 34).

حق پناهندگی، حق استفاده از امکانات بهداشتی، برخوردار شدن از تمامی حقوق و آزادی‌ها منجمله حقوقی بوده که در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر آورده شده است و در رابطه با پناهجویان می‌توان آن را مورد استفاده قرار داد. بنابراین، باید بیان داشت که از بین حق و حقوق کلیه پناهندگان مندرج شده در کنوانسیون ۱۹۵۱ و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر که مختصراً آنها، مطرح شدند، تعداد اندکی از آنها دارای اهمیت بیشتری بوده که در ذیل آنها را تبیین خواهیم نمود (انصاری، 1396: 24).

- حق پناهندگی: نخستین حقی که شخص پناهجو از آن برخوردار می‌گردد، حق تقاضای پناهندگی می‌باشد. بنابراین، پناهجو قادر است برگه‌ی درخواست رسمی را برای اخذ حق اقامت در سرزمینی که به آن وارد گردیده، پر کرده، و چنین حق و موقعیت قانونی را تا زمانی که تقاضای پناهندگی ایشان مورد تبیین قرار می‌گیرد، حفظ نماید.

ماده‌ی ۱۴ از اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مقرر داشته است که: هر شخصی این حق را داشته در راستای ممانعت از تعقیب از آزار از گرفتن حق پناهندگی در دیگر جوامع، برخوردار گردد (اردلان، 1390: 58).

در واقع، پناهجو قادر است حق ابتدایی خود در راستای پذیرش بر اساس تعریف موجود در ماده‌ی ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ میلادی برخوردار گردیده و در کشور میزبان اقامت گیرند و بایستی شروط مندرج در کنوانسیون فوق منجمله ترس موجه را دارا باشد. از این رو، یکی از مکانیسم‌های (سازوکارهای) قانونی و قضایی در راستای محدود نمودن وارد شدن پناهجویان و دسترسی این افراد به مراحل درخواست پناهندگی، معمول و مرسوم نمودن امتحانات و حتی معاینات

¹ Oloruntoba



سریع و یا نپذیرفتن سریع پناهجویان بعد از نیل به مقصد می‌باشد (رامسدن 2، 2019).

- عدم تبعیض: از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین تعهدات کنوانسیون ۱۹۵۱ میلادی در رابطه حقوق پناهندگان عدم تبعیض است. که این مورد در ماده ۳، به درستی مطرح گردیده است. در ماده‌ی مذکور آورده شده است که: دولت‌های متعاقد قوانین کنوانسیون مذکور را بدون تبعیض از نظر نژادی و یا مذهبی و کشور اسلامی در رابطه با پناهندگان، اجرایی می‌کنند. بنابراین، این عدم تبعیض در مواد ۷-۸-۱۹ در رابطه با مهیا نمودن زمینه‌ی اشتغال به کار پیشنهاد گردیده و از طرفی، در ماده‌ی ۲۰ آن در خصوص جیره‌بندی این چنین بیان داشت است: اگر نظام جیره‌بندی موجود باشد و توزیع محصولات کمیاب در بین عامه‌ی مردم بر اساس سهمیه انجام پذیرد، نسبت به پناهندگان هم نظیر اتباع رفتار می‌گردد و همچنین در ماده‌ی ۲۲ آن که به تحصیلات ابتدایی مرتبط بوده بیان داشته است که دولت‌های متعاقد نسبت به تمامی پناهندگان نظیر اتباع خویش رفتار می‌نمایند (ناصرزاده، ۱۳۸۹: ۳۳۱). بنابراین، در میثاق حقوق مدنی - سیاسی هر چند در اصل حمایت، خود را از پناهندگان بسط و گسترش داده ولیکن، به شکل دقیق حقوق اساسی مدنی مورد نیاز در رابطه با شرایط پناهندگان را خطاب قرار نداده است (انصاری، 26:136).

- اصل عدم بازگشت: کنوانسیون ۱۹۵۱ ملل متحد در خصوص شرایط پناهندگان در ماده‌ی ۳۳ در رابطه با ممنوعیت اخراج و یا از عدم بازگشت مقرر داشته است که:

"هیچ‌کدام از دولت‌های متعاقد به هیچ عنوان پناهنده‌ای را به کشورهایی که امکان داشته به دلایل مرتبط با نژاد و مذهب و ملیت و یا عضو شدن در دسته و یا گروه اجتماعی خاص و یا داشتن عقاید سیاسی زندگی و آزادی ایشان مورد تهدید واقع شده است تبعید کنند و یا باز گردانند".

از این رو، تکلیفی بر ذمه‌ی دول متعاقد در رابطه با پذیرفتن چنین اشخاصی، قرار گرفته است. از طرفی در قسمتی از پروتکل ۱۹۶۷ که به شرایط پناهندگان مرتبط می‌باشد آورده شده است که:

هیچ احدی را نباید به اخراج و یا برگشت از نقطه‌ی مرزی محکوم ساخت به شکلی که ناچار گردد به سرزمینی بازگردد و یا در کشوری بماند که در آن به علت نقض اصول اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، زندگی و جان و جسم و یا آزادی‌شان در خطر است.

اصل مذکور، در رابطه با تمامی اشخاصی که به علل کاملاً مبرهن خطری بر علیه امنیت کشور پذیرنده محسوب می‌شود یا به علت حکم قطعی ارتکاب یک بزه بسیار جدی، بر علیه آن سرزمین تلقی می‌گردد، قابلیت اجرا شدن را نداشته است - حق زندگی و امنیت: حق زندگی از حقوق مورد شناسایی قرار گرفته میثاق حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد که در ماده‌ی ۶ میثاق، تحت عنوان حق ذاتی تعریف گردیده و در این خصوص مقرر داشته است که:

هیچ فردی را نمی‌توان به شکل دلخواه و خودسرانه، از حق زندگی، محروم ساخت. از طرفی، حق مزبور به واسطه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری، در مقام هسته‌ی اصلی و جدا نشدنی حقوق بشر، مطرح گردیده است (پرویزی، 44:1394).

4. حق بر سلامت پناهجویان

حق سلامت و تندرستی به عنوان یکی از حقوق اقتصادی-اجتماعی پناهجویان به عنوان یک حق تلقی می‌شود که تحقق آن لزوماً مستلزم دخالت دولت است. تا هنگامی که فرآیند تبیین نمودن شرایط و وضعیت شخص پناهجو به طول انجامد تا به نتیجه‌ای درست برسد، پناهجو در مجموعه‌ای از اقامتگاه‌هایی که به واسطه‌ی کشور میزبان تاسیس گردیده، اسکان پیدا می‌کند. مدت زمان اقامت در اقامتگاه‌های مذکور، احتمال داشته از چندین ماه تا بیشتر از چند سال، طول بکشد. بنابراین، کلیه‌ی پناهجویان در اقامتگاه‌های عنوان شده در فوق، از یکسری حقوق برخوردار بوده که اهم آن‌ها حق پناهندگی - حق زندگی - حق آزادی - حق رفت و آمد - حق بهره‌مند شدن از امکانات بهداشتی - حق عدم تبعیض - حق آموزش و غیره است (شاو 3، 2008).

تمامی حقوق مطرح شده در بالا، به شکل مطلق نیست و تماماً مشروط بوده به تعدادی از آن‌ها، امکان دارد به واسطه‌ی کشور میزبان پناهجو محدود گردد و یا سلب شود. در واقع باید حداقل دخالت دولت در حقوق شهروندی صورت گیرد و در برابر بیشترین دخالت در حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سیاسی فرض شده است. ولی در عین حال، حقوق مدنی و سیاسی نیز مستلزم دخالت مثبت دولت است و از این نظر، حقوق مثبت تلقی می‌شود. زیرا مفید بودن و اجرای کامل آنها ارتباط منطقی با مداخله حمایتی دولت تعهد به حمایت دارد. در طرف مقابل؛ حقوق اقتصادی و حقوق اجتماعی پناهجو نیز منفی است زیرا هیچ نوع دخالت محدودکننده دولت را تحمل نمی‌کند. به طور کلی در نظام بین‌المللی حقوق بشر و به ویژه در زمینه‌ی حق بر سلامتی پناهجویان، در یک تقسیم‌بندی سه دسته تعهد کلی برای دولت‌ها قابل

² Ramsden

³ Shaw



دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، با همکاری گروه های پژوهشی حقوق شهروندی و حقوق بین الملل سلامت مرکز تحقیقات حقوق

کنفرانس ملی ارتقای سلامت شهری حقوقی پزشکی فراوانی

NATIONAL CONFERENCE ON HEALTH PROMOTION & IT'S LEGAL & MEDICAL CHALLENGES

شناسایی است: تعهد به رعایت، حمایت و اجرا. به اجمال می توان گفت که تعهد به رعایت و احترام به حق بر سلامتی پناهجویان مستلزم این است که دولت ها به طور مستقیم یا به طور غیرمستقیم از مداخله در بهره مندی از حق بر سلامتی پناهجویان اجتناب کنند. تعهد به حمایت، دولت را ملزم می کند که از بهره مندی از حق بر سلامتی پناهجویان در برابر مداخلات و مزاحمت های طرفین ثالث حمایت به عمل آورد و در نهایت تعهد به اجرا در بردارنده ی طیف وسیعی از اقدامات قانونی، قضایی، مالی و... جهت اجرا و پیشبرد حق بر سلامتی پناهجویان است (پرویزی، 1394: 49).

احقاق حق بر سلامت پناهجویان در چهارچوب میزان منابع موجود در اختیار هر دولت و استفاده حداکثری از آن است. بنابراین احقاق این حق بلافاصله امکان پذیر نیست، بلکه مستلزم گذشت زمان و استفاده از منابع است و به همین دلیل است که میثاق از دستیابی به حقوق اقتصادی - اجتماعی در روند کسب تدریجی صحبت می کند. در این راستا، تصویب و اجرای برنامه های اقتصادی، مالی، حقوقی، بهداشتی و درمانی پناهجویان و غیره با توجه به ظرفیت های دولت ها و استفاده از منابع بخش خصوصی به عنوان بازوی کمکی دولت ها از جمله این موارد است.

میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بند 1 ماده ی 2 ماهیت کلی تعهدات دولتهای عضو را ترسیم میکند: دولت های عضو میثاق متعهد می شوند که با سعی و اهتمام خود و از طریق همکاری و تعاون بین المللی به ویژه در زمینه های اقتصادی و فنی و با استفاده از حداکثر منابع موجود به منظور حصول تدریجی و اعمال کامل حقوق شناخته شده پناهجویان در این میثاق با کلیه ی وسایل مقتضی به خصوص با اقدامات قانون گذاری اقدام نمایند. در مورد ماهیت تعهدات دولت های عضو بیان داشته که ماده ی 2 میثاق تعهد به فعل و تعهد به نتیجه را به دولت ها تحمیل می کند. این دو مفهوم تا حدی با یکدیگر تداخل دارند؛ زیرا وجود التزام به نتیجه لزوماً شامل تعهد به عمل نیز می شود. در واقع دولتی که متعهد به نتیجه است، متعهد به ارائه پیشینه خود نیز به طریق اولی است. به عبارت دیگر، تعهد به شی، تعهد به لوازم و پیش نیازهای آن نیز می باشد. در چهارچوب حق بر سلامت پناهجویان تعهد به نتیجه، تصویب قوانین ملی لازم است و تعهد به انجام اقداماتی در حد امکان و در حدود امکانات موجود برای دستیابی به نتایج مطلوب این قوانین، محتوای تعهد اقدام را تشکیل می دهد. بعد دیگر تعهد دولت های عضو در اجرا و تحقق تدریجی حق بر سلامتی، تعهد به استفاده از حداکثر منابع موجود و در دسترس است (جعفریاد، 1400: 42).

برای احراز اینکه دولت ها از حداکثر منابع موجودشان استفاده کرده اند یا خیر، دو مشکل عمده وجود دارد: اول، تعیین اینکه چه منابعی واقعاً در دسترس دولتهای عضو قرار دارند و دوم اینکه آیا دولت عضو از این منابع به طور حداکثری استفاده کرده است یا خیر؟ با این وجود، میثاق انتظار ندارد که دولتها اقدامی فراتر از آنچه که منابع تحت اختیارشان اجازه میدهد، انجام دهند. این بدان معناست که محتوای تعهد به تحقق تدریجی حق بر سلامتی و سایر حقوق اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی به حداکثر استفاده از منابع در دسترس بستگی دارد. وقتی از منابع در دسترس صحبت می شود، هم به منابع بخش دولتی و هم به منابع بخش خصوصی اشاره دارد. با وجود اینکه میثاق از تحقق تدریجی سخن میگوید و به موانع ناشی از محدودیت منابع اذعان میکند، باید گفت که میثاق در کنار تعهد به تحقق تدریجی حقوق مندرج در آن، تعهداتی را به بار می آورد که دارای اثر فوری هستند. و قصور دولت در رعایت این تعهدات واجد اثر فوری نمیتواند توجیه شود. در واقع، «حق بر سلامتی» فقط شامل تعهد به تحقق تدریجی نیست، بلکه تعهداتی از آن ناشی میشود که دارای اثر فوری هستند. «حق بر سلامتی» هرچند مشروط به تحقق در چهارچوب روندی تدریجیالحصول است، اما این حق دارای استانهی حداقلی است که مستلزم تحقق فوری می باشد. تعهد دولت ها در قبال این حداقلها از نوع تعهد به نتیجهی فوری است (جمالپور، 1396: 36).

از جمله این تعهدات حداقلی بنیادین، میتوان به تدوین برنامه ی جامع در زمینه ی توسعه و اعتلای حق بر سلامتی پناهجویان، تضمین دسترسی به خدمات بهداشتی برای همه پناهجویان و بدون تبعیض و توزیع عادلانه ی خدمات و تسهیلات مربوط به بهداشت و درمان اشاره کرد. اینها حداقل هایی هستند که هر دولت عضو میثاق باید منصرف از میزان منابع و امکانات موجود خود، آن ها را تضمین نماید؛ چرا که «حداقلهای معیشتی، بهداشتی و آموزشی لازمه حیثیت ذاتی انسان هستند. به نظر میرسد که این حداقل ها یکسری حداقل های رفاهی هستند که عدم بهره مندی از آن ها به منزله ی نقض صریح کرامت ذاتی و حیثیت انسانی به شمار میرود. اعلامیهی جهانی حقوق بشر در مادهی ۲۵ خود حق مزبور را به رسمیت شناخته است و در این خصوص مقرر داشته است که:

هر فردی این حق را داشته که سطح زندگی و حتی رفاه خود و خانواده اش را از لحاظ خوراک و مسکن و غیره تامین سازد. بدین ترتیب، همانگونه که هر شخص میبایست از حق مزبور برخوردار گردد، تمامی پناهجویان در کشورهای پناهجو پذیر هم میبایست قادر باشند به این نوع حق دسترسی پیدا کنند. به دلیل آنکه سلامتی نیاز ادامه دادن حیات بوده ولیکن پناهجویان در کشورهای پناهجوپذیر به چه سطحی از امکانات دسترسی داشته خود جای سوال دارد. لذا باید بیان داشت که پناهجویان قادر نبوده به صورت مستقیم از خدمات بهداشتی عمومی، نظیر خدمات درمانگاه، استفاده نمایند.

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجانشرقی، مراغه، بلوار شهید درخشی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۳ - ۰۴۱۳۷۲۵۲۵۰۶ - داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳



امکانات بهداشتی تمامی پناهجویان در شرایط مناسبی قرار نداشته که در سال ۲۰۱۵ میلادی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در یک گزارش بیان داشت که در سه جزیره‌ی کوس هرج و مرج وجود داشته و پناهجویان در سه جزیره‌ی مزبور آب و امکانات مناسب نداشته‌اند. از طرفی، در سال ۲۰۱۷ میلادی متعاقب ارسال یک تیم از سوی پزشکان بدون مرز به جزیره‌ی لسبوس با هدف ارائه دادن خدمات پزشکی، گزارشی انتشار پیدا کرد که بر اساس آن، تعدادی از زنان در معرض خشونت جنسی واقع شده و تقریباً ۸۰ درصد اشخاص مورد تبیین فرار گرفته، به مراقبت‌های بهداشتی روانی نیاز داشته‌اند. آنچه تعیین محتوای حق بر سلامت پناهجویان را دشوار می‌کند، این ارتباط است که این حق دارای حقوقی مشابه با سایر مصادیق حقوق بشر است. در واقع «اکثر مصادیق حقوق اقتصادی-اجتماعی و نقش فرهنگی در تأمین و تضمین شرایطی که پناهجویان بتوانند از سلامت برخوردار شوند، نقش اساسی دارند» (جمالپور، ۱۳۹۶: ۳۸).

از اینرو «حق بر سلامتی پناهجویان» موضوعی جدا از سایر مصادیق حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی نیست و نمی‌تواند بدون توجه به سایر مصادیق حقوق بشر در کل مورد توجه قرار گیرد. به عبارتی ساده‌تر، «حق بر سلامتی پناهجویان» معنای واقعی خود را در تعامل با دیگر حقوق بنیادین به دست می‌آورد. حق بر سلامتی پناهجویان در کنار تحقق تدریجی آن، دارای یکسری حداقل‌ها هم هست که واجد اثر فوری هستند. برخورداری از این حداقل‌های رفاهی-بهداشتی گویای رهیافت حداقلی بر محتوای حق بر سلامتی است. بنابراین، تعهد دولت‌ها نسبت به تحقق این حداقل‌های رفاهی، تعهد به نتیجه‌ی فوری است. بهره‌مندی از این محتوای حداقلی در سلامتی، از ضروریات کرامت ذاتی انسان قلمداد می‌شود. در این چارچوب، «حق بر سلامتی پناهجویان» به نبود بیماری و برخورداری از وضعیت مطلوب جسمی و روانی تعبیر می‌شود. در واقع رهیافت حداقلی، هسته‌ی اصلی حق بر سلامتی پناهجویان را تشکیل می‌دهد. در طرف مقابل، مطابق با رهیافت حداکثری، هر دولتی متعهد است که شرایط لازم برای بهره‌مندی پناهجویان را از سلامتی، در چارچوب منابع موجود و تا حد ممکن تأمین و تضمین کند (سنیونجو، ۲۰۱۰: ۴).

این رهیافت مبین اصلی است که به موجب آن، «حق بر سلامتی پناهجویان» ماهیتاً به موازات رشد اقتصادی، رشد می‌کند و از این رو به تناسب رشد اقتصادی و افزایش توانمندی‌های دولت، امکان نیل به عالی‌ترین سطح قابل حصول سلامتی پناهجویان فراهم خواهد آمد. در واقع در رهیافت حداکثری، «حق بر سلامتی پناهجویان» چیزی بیش از صرف نبود بیماری است؛ در تعیین محتوای حق بر سلامتی بر اساس رهیافت حداکثری، «بنیادهای تعیین‌کننده» هم چون برخورداری از غذای کافی، آب آشامیدنی سالم، محیط زیست پاک، دسترسی به داروهای اساسی، مسکن، آموزش و... نقشی انکارناپذیر دارند، چرا که میزان تحقق هر کدام از این عناصر، تأثیری مستقیم در تحقق عالی‌ترین استاندارد قابل حصول سلامتی دارد. از طرفی نیز تحقق حداکثری حق بر سلامتی پناهجویان، نشان‌دهنده درجه‌ی رشد و توسعه‌ی یافتگی کشور ذیربط است (صابری، ۱۳۹۷: ۲۶).



5. نتیجه گیری

«حقوق پناهجویان» یکی از موضوعات مهم حقوق بین الملل تلقی می شود. پناهجویان افزون بر فقر و دیگر معضلاتی که داشته از خدمات عمومی و بهداشتی و سلامتی محروم هستند و شدیداً تحت تبعیض قرار گرفته اند. این اشخاص به مدت بسیار طولانی خارج از هر نوع رژیم حمایتی به زندگی می پردازند و هیچ نوع کمکی دریافت نخواهند نمود. شناسایی و حمایت از پناهجویان در حال حاضر به یکی از چالش های نظام پناهندگی مبدل گردیده و با در نظر گرفتن افزایش روز افزون تعداد پناهجویان، ضرورت دارد تا، نهادهای مربوطه مضاف بر اردوگاه های پناهندگی به مناطق شهری هم توجه ویژه داشته و درصدد به وجود آوردن نظامی به جهت شناسایی و حمایت کردن از پناهجویان و سلامت آنها برآیند. با در نظر گرفتن تغییرات و تحولات سال های اخیر در سراسر جهان به ویژه مسائل روز خاورمیانه و آفریقا از جمله جنگ های داخلی، سیاست های دولت های خودکامه و خودکامه، قحطی و شرایط نامناسب بهداشتی و سلامتی تعداد زیادی از پناهجویان را در پی داشته است. پناهجویان برای رفتن به جوامع توسعه یافته و کشورهای مذکور را با بحران های جدی مواجه هستند. با این وجود «حق برخورداری از بالاترین استانداردهای قابل دستیابی سلامت» به عنوان یک حق اساسی توصیف می شود که برای تحقق و برخورداری از سایر حقوق و آزادی ها بسیار مهم است. اگرچه این حق از نظر محتوایی به نسل دوم حقوق بشر تعلق دارد، اما ارتباط تنگاتنگی با نسل های دیگر حقوق بشر دارد. حق بر سلامتی شامل طیف وسیعی از حقوق است که هر یک در تحقق آن نقش انکارناپذیری دارند. تحقق بالاترین استاندارد مورد نظر میثاق مستلزم صرف حداکثر منابع در دسترس دولت ها و در طول زمان است. تحقق این استاندارد با توجه به مبانی تعیین کننده سلامت، چالش بزرگی برای دولت ها محسوب می شود. دلیل آن این است که تحقق این مبانی مقدمه ای ضروری برای دستیابی به سطح بالای سلامت و بهداشت است. از سوی دیگر محدودیت منابع در صلاحیت دولت ها و عدم برنامه ریزی صحیح و اصولی در تخصیص و توزیع منابع، مشکل محدودیت منابع را چند برابر کرده است. تعهد به همکاری های بین المللی که به عنوان سازوکاری تکمیلی برای توانمندسازی و افزایش ظرفیت های اقتصادی و فنی دولت ها در میثاق پیشنهاد شده است، هر چند در یک سند بین المللی الزام آور به آن اشاره شده است، بیشتر به عنوان یک توصیه باقی می ماند تا یک تعهد قانونی. معلوم نیست اگر دولتی با وجود داشتن امکانات لازم نسبت به انجام این تعهد بی تفاوتی نشان دهد چه مسئولیتی بر عهده آن خواهد بود. با توجه به اینکه مسئولیت اولیه حفظ و اجرای حقوق بشر بر عهده دولت ملی است، چنانچه این دولت به دلیل ناتوانی قادر به انجام ارتقا سلامت پناهجویان نباشد و یا علیرغم داشتن منابع کافی نسبت به این مسئولیت بی تفاوت و بی میل باشد. آیا امکان مداخله از نظریه مسئولیت حمایت وجود دارد؟! ناگفته نماند که جایگاه این نظریه در حقوق بین الملل همچنان محل اختلافات فراوان است. اگرچه این نظریه برای حمایت از حقوق اولیه شهروندان در برابر جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، پاکسازی قومی و پاکسازی قومی به کار می رود و مسئولیت اولیه آن بر عهده دولت ملی است، اما استناد به این نظریه برای حمایت از حقوق اقتصادی و ... جامعه شهروندان یک کشور با تردید مواجه است. اما نقض «حق بر سلامت» به دلیل ارتباط تنگاتنگ با جان انسان، در صورتی که آستانه شدت بالایی داشته باشد، ممکن است به دلیل مسئولیت حفاظت بتواند مداخله را توجیه کند. اما مشکلات مربوط به نحوه انجام مداخله و اختیار قانونی برای تجویز آن و دامنه اقدامات و سایر مسائل هنجاری در خصوص این نظریه همچنان پابرجاست.

منابع

1. اردلان، اسعد (1390). پناهندگی دیپلماتیک. مجله سیاست خارجی، شماره 36، 45-93.
2. انصاری، باقر (1396). اسناد بین المللی حقوق بشر (مجموعه کامل اسناد جهانی از سال 1948 تا 2015)، جلد چهارم: حقوق پناهندگان، بی تابعیت ها، کارگران مهاجر، مردمان بومی، اقلیت ها و تنوع فرهنگی. چاپ اول، تهران: خرسندی.
3. استن، کاستلز (1397). مهاجرت و شهروندی، جهانی شدن و سیاست تعلق. ترجمه: فرامرز تقی لو، پژوهشکده مطالعات راهبردی 25-49.
4. بابایی راغب، اسماعیل و سلیمی ترکمانی، حجت (1401). تاملی بر روبه دیوان اروپایی حقوق بشر در خصوص درخواست پناهندگی اتباع ایرانی. مجله مطالعات حقوقی، دوره چهاردهم، شماره دهم، 209-237.
5. پرویزی، جمشید (1394). سیاست مهاجرت و پناهندگی اتحادیه اروپا و مساله حقوق بشر. تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.
6. جعفریاد، خداداد (1400). حقوق پناهندگان در اسناد بین الملل، قانون بار، سال پنجم، شماره 18.
7. جمالپور، حمید و خالقی، حسین و غرابی، سیدرضا (1396). حمایت از پناهندگان در اسناد حقوق بشر. کنفرانس ملی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون.
8. صابری، پردیس (1397). حق بر پناهندگی و قلمرو آن. انتشارات دانشگاه غیرانتفاعی شهید اشرفی اصفهانی.

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان شرقی، مراغه، بلوار شهید درخشسی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۳ - ۰۴۱۳۷۲۵۲۵۰۶ - داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳



9. نظری تاج آبادی، حمید (1390). بررسی جنبه های مختلف حقوقی مسئله پناهندگی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

1. Altindag, Onur. & Kaushal, Neeraj. (2017). Do Refugees Impact Voting Behavior in the Host Country? Evidence from Syrian Refugee Inflows in Turkey. IZA – Institute of Labor Economics, (10849).
2. Goldenziel, Jill I. (2016). The Curse of the Nation-State: Refugees, Migration, and Security in International Law. Arizona State Law Journal, Vol.48 (57), 579-636.
3. Radoslaw .T, Gluszak. M. (2022). The War in Ukraine, Refugees, and the Housing Market in Poland. International Law magazine, Vol.36 (2), 26-56.
4. Oloruntoba, Richard; Banomyong, Ruth (2018). Humanitarian logistics research for the care of refugees and internally displaced persons a new area of research and a research agenda. Emerald insight, Humanitarian logistics research, Vol.14 (9), 5-14.
5. Ramsden, Michael. & Luke Marsh. (2019). The ‘Right to Work’ of Refugees in Hong Kong: MA v Director of Immigration. International Journal of Refugee Law, Vol.25 (3), 574–596.
6. Shaw, M, (2008), International Law, Cambridge, Cambridge University Press, 6th edition.
7. Senyonjo, Manisuli, (2010), Economic, Social and Cultural Rights: an examination of state obligations, in: Sarah Joseph & Adam McBeth (ed.), Research Handbook on International Human Rights Law, Cheltenham, Northampton, Edward Elgar Publishing Limited.



Challenges of the Right to Health of Asylum Seekers

Zahra Matour

Master's Degree in International Law, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran
(Corresponding Author)
z.mator@gmail.com

Alireza Ansari Mahyari

Assistant Professor & Director of Graduate Studies, Department of Law, Faculty of Theological Law & Islamic Studies, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran
alimahyari63@gmail.com

Abstract

One of the most basic rights that asylum seekers have is the right to health, which is interpreted as the highest physical and mental standard. The health and safety of refugees is one of the important issues that international institutions have paid attention to based on scientific research. Although this right belongs to the second generation of human rights in terms of content, it is closely related to other generations of human rights. The right to health of asylum seekers includes a wide range of rights, each of which has an undeniable role in its realization. Therefore, the existence of healthy drinking water, sufficient and nutritious food, clean environment, etc. are considered to be the essence of human health. Therefore, the purpose of the current research is to explain the challenges of the right to health of asylum seekers, which is descriptive-analytical and using library resources. After examining various sources, we came to the conclusion that all examples of human rights are mutually dependent, inseparable and related to each other. The realization of the highest standard intended by Article 12 of the Covenant of Economic, Social and Cultural Rights will take on the color of reality in light of the application of the maximum economic and technical facilities and during a necessarily gradual process of achievement. Therefore, the degree of realization and benefit of the right to health of asylum seekers has a direct relationship with the level of economic and social development of a country. The Covenant of Economic and Social Rights, knowing this fact, requires the member states to increase their capacities and capabilities by benefiting from international economic and technical cooperation with each other in order to improve the benefit of the right of asylum seekers to health.

Keywords: Asylum seeker, Health, International Obligation of Government, International Documents, International Law.